

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتاد و چهارم

تابستان ۱۳۹۷

راهبردهای اجتماعی امام صادق علیه السلام برای ایجاد همگرایی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۷/۱

حمید رضا مطهری^۱مصطفی نادری^۲

توصیه به اتحاد و انسجام اسلامی که ریشه در آموزه‌های قرآن و سنت معصومان علیهم السلام دارد، از جمله موضوع‌هایی است که بررسی تاریخی آن در ادوار مختلف، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نوشتار، با بهره‌گیری از منابع روایی و تاریخی، اقدامات امام صادق علیه السلام و اهتمام ویژه آن حضرت را برای برقراری وحدت و انسجام در جامعه بررسی کرده و کوشیده است به روش تاریخی، راهبردهای اجتماعی ایشان را برای همگرایی اسلامی با توجه به شرایط اجتماعی آن روزگار نشان دهد.

شواهد تاریخی، حکایتگر آن است که عینیت‌بخشیدن به همسانی مسلمانان، تحکیم پیوندهای اجتماعی و اعتدال مذهبی، از مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی آن حضرت بود که برای تحقق این راهبردها، راهکارهایی چون: حضور و همگامی در شعائر و مناسک دینی، برقراری پیوندهای اجتماعی و عاطفی نیکو

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

h.motahari@isca.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم علیه السلام: mostafanaderi110@gmail.com

با مسلمانان، مدارا با مخالفان، احترام به باورها و مقدسات پیروان مذاهب، عدم تحمیل عقیده و پرهیز از تعصبات و تکفیر دیگران را در پیش گرفتند.

کلیدواژگان: امام صادق (ع)، سیره معصومان (ع)، همگرایی اسلامی، امت اسلامی، مدارای مذهبی.

مقدمه

در عصر کنونی که دشمنان اسلام هجمه‌های همه‌جانبه خویش را بر روی اسلام متمرکز کرده‌اند و از هرسو این دین و پیروانش را هدف قرار داده‌اند، حیاتی‌ترین نیاز جامعه اسلامی، انسجام درونی و اتحاد کلمه و پرهیز از هرگونه گسستگی و گسیختگی و نیز راه‌های رسیدن به این امر مهم، به شمار می‌آید. این مهم در قرآن کریم و سیره معصومان (ع)، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آیات متعددی مسلمانان را به اتحاد و انسجام و دوری از تفرقه و چنددستگی سفارش می‌کند:

مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ [آن هم] پس از

آنکه نشانه‌های روشن [پروردگار] به آنان رسید؛ و آنها عذاب عظیمی دارند.^۱

اتحاد و انسجام اسلامی در سیره نبوی و نزد امامان معصوم (ع) نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و آن بزرگواران با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خویش و برای تحقق این امر مهم، گام‌هایی را برداشته و با بهره‌گیری از شیوه‌های متناسب و ارائه راهبرد و روش‌های مؤثر، سعی در ایجاد الفت و برادری بین مسلمانان داشته‌اند.

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.» (آل عمران،

در این میان، شناخت سیره امام صادق (ع) ^۱ (۱۴۸ق) و تبیین و بررسی راهکارهای آن حضرت در جهت ایجاد اتحاد و همگرایی اسلامی، اهمیت بالایی دارد؛ چراکه جامعه اسلامی دوره‌ای پرتلاطم و پرتحول را تجربه می‌کرد؛ عصری که حاکمیت اموی (۴۱-۱۳۲ق)، دوره زوال خود را سپری کرده است. عباسیان (۱۳۲-۵۶۶ق) در هجدهمین سال از دوران ۳۴ ساله امامت امام صادق (ع)، با شعار اسلام‌خواهی و سپردن حکومت به فردی از خاندان رسول اکرم (ص) خلافت مسلمانان را به دست گرفتند. در چنین شرایط سیاسی و در اثر توسعه مرزهای جغرافیایی جهان اسلام و واردشدن مکاتب فکری گوناگون به محدوده و قلمرو حاکمیت اسلامی، تضارب آرا و برخورد اندیشه‌ها به اوج خود رسیده و موجب پیدایش فرقه‌ها و مذاهب مختلفی در درون جامعه اسلامی گردیده بود که هر کدام از آن‌ها، عقاید و باورهای خاص خود را ترویج می‌کردند.

شرایط خاصی که در جامعه اسلامی به دلیل نفوذ و گسترش مکاتب و اندیشه‌های مختلف ایجاد شده بود، به درگیری و اختلافات بی‌حاصل و زیانباری بین فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی منجر گشته و سیاست مذهبی حاکمان و دولتمردان اموی و عباسی نیز بر شدت این اختلافات می‌افزود. این اختلافات، آسیب‌هایی همچون ایجاد کینه، بدگمانی، تعصبات و سوءتفاهم‌های مذهبی و دشمن‌تراشی را به دنبال داشت. امام صادق (ع) شیوه‌های گوناگونی را برای پیشگیری یا رفع این آسیب‌ها به کار می‌بستند.

امام صادق (ع) با درک وضعیت جامعه اسلامی عصر خویش و به منظور مقابله با اختلافات و تنازعات به وجودآمده، اقداماتی را در جهت حفظ وحدت اسلامی و ایجاد انسجام بین مسلمانان انجام دادند و شیوه‌های متفاوتی را در پیش گرفتند که در این میان،

۱. امام ششم شیعیان، حضرت جعفر بن محمد، ملقب به صادق، در ربیع الأول سال ۸۳ قمری در مدینه به دنیا آمد و در شوال سال ۱۴۸ قمری در مدینه به شهادت رسید. (محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۰)

راهبردهای اجتماعی ایشان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این راهبردها، به پیروان مذاهب اسلامی می‌آموزند که حیات واقعی و معنوی جامعه اسلامی، تنها در گرو زندگی مسالمت‌آمیز و درک متقابل از همدیگر بوده و رشد و بالندگی آنان، در سایه الفت و همبستگی اسلامی قابل تصور و میسر خواهد بود.

این نوشتار، بر آن است تا با بهره‌گیری از منابع حدیثی و تاریخی راهبردهای اجتماعی، آن حضرت را بررسی و تبیین نماید و بر این فرضیه استوار است که امام صادق (ع) با توجه و تأکید بر اموری مانند حضور و همگامی در شعائر و مناسک دینی، برقراری پیوندهای اجتماعی و عاطفی با مسلمانان، مدارا با مخالفان، احترام به باورها و مقدسات پیروان سایر مذاهب، عدم تحمیل عقیده و پرهیز از تعصب و تکفیر دیگران، در ایجاد همگرایی اسلامی و اتحاد مسلمانان نقش آفریدند. البته ممکن است برخی گزارش‌های غیر همسو با موضوع همگرایی در رفتار یا سخن امام صادق (ع) دیده شوند که به‌اختصار بررسی و تحلیل خواهند شد.

۱. پیشینه تحقیق

اگرچه تحقیقی با این عنوان نیافتیم، اما در لابه‌لای برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته در باره امامان و وحدت اسلامی، به عصر امام صادق (ع) نیز اشاره شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

- /امامان شیعه و وحدت اسلامی، تألیف علی آقانوری. محتوای کتاب مذکور، عبارت است از: بیان سیره و سخن پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، به‌ویژه امام علی (ع) در جهت وحدت و همگرایی سیاسی، اجتماعی و مذهبی بین مسلمانان و ارائه راهکارهای مناسب علمی و عملی توسط آن بزرگواران به عنوان برجسته‌ترین الگوهای دینی که در ضمن بیان این مباحث، به سیره امام صادق (ع) نیز در این باره اشاره شده است.

- /انسجام اسلامی در روایات از دیدگاه شیعه و اهل سنت، اثر فدا حسین. در این کتاب، به پنج محور: مبانی وحدت و انسجام اسلامی، اهمیت و ضرورت وحدت اسلامی، عوامل

انسجام و وحدت اسلامی، عوامل افتراق امت اسلامی، آثار و فواید اتحاد و انسجام اسلامی، با موضوع اتحاد و انسجام اسلامی پرداخته شده است که اغلب مطالب با توجه به آیات قرآن و سخنان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام، به ویژه حضرت علی علیه السلام به بررسی این موضوع پرداخته است که در خلال مباحث، به فرموده‌های امام صادق علیه السلام نیز اشاراتی شده است.

- تعامل شیعیان / امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری، اثر سید عبدالله حسینی. این کتاب، چنان که از عنوانش پیداست، به تعامل بین مسلمانان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و علمی و فرهنگی می‌پردازد و گاه اشاراتی به اقدامات امامان شیعه علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام نیز دارد. همان طور که گذشت، هیچ کدام از آثار فوق به طور مشخص، راهبردهای اجتماعی امام صادق علیه السلام را به صورت یکجا و منسجم ارائه نکرده‌اند.

۲. مفاهیم

- راهبرد

کلمه «راهبرد» در فارسی، ترجمه شده واژه «استراتژی» می‌باشد که مشتق از کلمه یونانی «استراتگوس (Strategus)» و مرکب از دو لغت «استراتو (Stratus)» یعنی قشون، و «آگاس (Agaugus)» یعنی راهنما و به معنای فرمانده است. در دوران گذشته، به فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و همچنین رومیان برای کسب پیروزی در جنگ به کار می‌بردند، استراتژو (Strategum) می‌گفتند. بر همین اساس، راهبرد در اصل و در معنای نخستین خود، بیانگر حيله‌ها، نقشه‌ها و تدابیر نظامی بود و در ابتدا به عنوان یک اصطلاح نظامی بوده است^۱ و سپس با رشد فضای رقابتی، به حوزه علوم مدیریتی، سیاسی، اقتصادی،

۱. جلیل روشندل، تحول در مفهوم استراتژی؛ مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، ص

صنعتی و فرهنگی نیز وارد شد. این واژه، در لغت به معنای: برنامه، سیاست، نقشه، تدبیر، فرماندهی، رزم‌آرایی و علم اداره کردن عملیات آمده است^۱ و در اصطلاح، به معنای: روش یا سیاستی کلی برای نیل به مقصود، هنر طراحی و آرایش نظامی، تعیین خط‌مشی کلی، هنر توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل دیگران، به‌کار رفته است^۲ و به صورت خلاصه، کلی‌ترین سخن در باره روش رسیدن به هدف می‌باشد.

- همگرایی

همگرایی، در لغت به معنای پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجرای یک مجموعه با یکدیگر، اتحاد، تقارب آمده و در برابر واژه «واگرایی» قرار دارد که به معنای دورشدن اجزای یک مجموعه از همدیگر، تفرق و پراکندگی است.^۳ از کلمات همسو و هم‌معنا با این واژه می‌توان به: اتحاد، تقارب، همبستگی، هم‌آهنگی و هم‌داستانی اشاره کرد که منظور از آن‌ها، وابستگی، پیوند، اتصال یا ارتباط بین دو یا چند چیز، مشارکت و همراهی می‌باشد.^۴ برای فهم معنای اصطلاحی «همگرایی»، باید از واژه‌های مشابه و نزدیک به آن مانند «وحدت» کمک گرفت. این واژه، از کلمات کلیدی و نزدیک به کلمه «همگرایی» است که در اصطلاح بزرگان و دانشمندان اسلامی عبارت است از: «همبستگی مسلمانان بر پایه مشترکات دین اسلام که در عین حفظ و رعایت مرزها، به‌منزله مجموعه واحد به شمار آیند».^۵

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳. همان، ج ۸، ص ۸۴۱۱؛ غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی، فرهنگ‌نامه فارسی، ص ۲۹۰۵.

۴. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴۹، ص ۲۷۰؛ حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۸۳۸۱.

۵. مرتضی مطهری، شش مقاله، ص ۲۱۲-۲۱۶.

۳. راهبردهای امام

مهم‌ترین راهبرد امام صادق (ع) برای ایجاد انسجام اسلامی را می‌توان در یکرنگی و همسانی در مراسم دینی، تحکیم پیوندهای اجتماعی و اعتدال مذهبی جست‌وجو کرد که برای تحقق هر کدام، راهکار جداگانه‌ای در پیش گرفتند.

۳-۱. یکرنگی و همسانی در مراسم دینی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی امام صادق (ع) تلاش برای همسانی مسلمانان در آیین‌ها و مراسم اجتماعی و دینی بود که برای تحقق آن، از راهکارهای متفاوتی همانند حضور در نماز جمعه و جماعت و عیدین و مراسم حج استفاده می‌کردند؛ مناسکی که یکرنگی و همسانی مسلمانان را نمود عینی بخشیده، بر انسجام آنان می‌افزاید.

توجه به این نکته لازم است که برپایی عبادات و شعائر دینی در بیشتر دوران زندگانی ائمه اطهار (ع) تحت اشراف مخالفان و رقبای سیاسی – فکری و احياناً دشمنان اهل بیت (ع) قرار داشته است؛ ولی آن بزرگواران ضمن دعوت همگانی مسلمانان به حضور در اجتماعات و حفظ وحدت اجتماعی و اخوت دینی، خود نیز بدان پایبند بودند و همواره عموم مسلمانان، به‌ویژه شیعیان را نیز به حضور در این‌گونه اجتماعات تشویق و ترغیب می‌کردند. این تأکیدات و سفارشات، می‌توانست پدیدآورنده اتحاد و انسجام بین مسلمانان و از بین‌برنده واگرایی در بین آن‌ها باشد.

۳-۲. نماز جماعت

در فرهنگ اسلامی، نماز جماعت به عنوان یکی از راهکارهای اساسی برای تحقق انسجام اسلامی، از جایگاه والایی برخوردار است و در سخنان و رفتار معصومان (ع) نیز بر آن تأکید و سفارش شده است.

امام صادق (ع) گرچه عملکرد مدعیان خلافت را به نقد می‌کشیدند و همواره در جهت اصلاح امور مسلمانان دیدگاه‌های اصلاحی خویش را ابراز می‌داشتند، اما از آن‌جا که همراهی با مسلمانان در انجام اعمالی همچون نماز جماعت حفظ وحدت و یکپارچگی

مسلمانان را در پی دارد، به اجتماع مسلمانان و حضور در نماز جماعات آنها اهتمام ویژه‌ای نشان می‌دادند.

امام صادق (ع) علاوه بر شرکت در نماز جماعت مسلمانان، به یاران و دوستان خویش نیز سفارش می‌نمودند که در انجام این فریضه و حضور در جمع مسلمانان اهتمام داشته باشند و و در صورت امکان، بر عهده گرفتن امامت جماعت و حتی اذان گفتن را توصیه کرده، فرمودند:

امام جماعت و مؤذن آنها باشید تا بگویند این‌ها جعفری هستند؛ خداوند جعفر بن محمد را رحمت کند که یارانش را خوب تربیت کرده است.^۱

ایشان شیعیان را به مشارکت در نماز عامه ترغیب نموده، تأکید کردند تا از شرکت در نماز جماعت مخالفان فکری و مذهبی دریغ نورزند. ایشان در باره اهمیت نماز گزاردن با مخالفان مذهبی می‌فرمودند: «هر که با آنها (مخالفان) نماز بگزارد، گویا با رسول خدا در صف اول نماز گزارده است.»^۲ و در روایتی دیگر، ثواب آن را مانند شمشیر کشیدن در راه خدا معرفی کرده^۳ و در جای دیگر، آن را سبب آمرزش گناهان دانسته‌اند.^۴

امام صادق (ع) به حضور در جماعت مسلمانان، به‌ویژه مخالفان فکری و مذهبی تأکید داشته، حتی نماز فرادا در جمع آنان را همانند اقتدا در نماز جماعت معرفی کرده، فرموده‌اند:

هنگامی که داخل در جماعت آنان شوی، اگر چه اقتدا هم نکنی، اجر و

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۸۰.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷۷؛ محمد بن حسن (حرّ عاملی)، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱.

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹.

حساب تو همانند کسی است که به جماعت پیوسته و به نماز اقتدا کرده باشد.^۱

ایشان خطاب به یکی از اصحاب خود که از امام جماعتی پرسیده بود که علاوه بر مخالفت مذهبی با شیعیان دشمنی می‌ورزد، فرمودند:
آنچه او گوید، بر تو نگیرند. به خدا سوگند، اگر تو راستگو باشی، از او به مسجد سزاوارتری. پس، نخستین کس باش که بدان وارد می‌شود و آخرین کس که از آن خارج می‌گردد و رفتارت را با مردم زیبا گردان و به نیکی سخن بگو.^۲

۳-۳. نماز جمعه و عیدین

اقامه نماز جمعه و عیدین، یکی از روش‌های مهم برای رسیدن به اتحاد و انسجام اسلامی می‌باشد؛ زیرا در این حرکت زیبا و وحدت‌آفرین، آنچه بسیار جلوه‌گر و نمایان است، اجتماع و حضور یکپارچه و یکرنگ و همسان مسلمانان از طبقات مختلف اجتماعی و گروه‌ها و مذاهب مختلف برای عبادت پروردگار متعال می‌باشد. در اهتمام به شرکت در نماز جمعه از سوی امامان علیهم‌السلام، همین بس که آنان مسافرت قبل از اقامه جمعه را در آن روز، مکروه می‌دانستند و حتی به مردم سفارش می‌کردند که برای جلوگیری از بی‌نشاطی و ضعف بنیه و به منظور آمادگی بیشتر برای حضور در نماز جمعه، از مصرف چیزهایی که سبب ضعف می‌شوند، پرهیز کنند.^۳

امام صادق علیه‌السلام در باب اهمیت برگزاری و شرکت در نماز جمعه می‌فرماید:
هرگامی که به سوی نماز جمعه برداشته شود، خداوند بدنش را بر آتش

حرام می‌سازد.^۴

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۷۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشيعة فی احکام الشریعة، ج ۷، ص ۳۰۰.

۳. همان، ج ۶، ص ۴۲۲ - ۴۲۵.

۴. شیخ صدوق، امالی، ص ۳۶۶.

اهتمام و توجه خاص آن حضرت در خصوص شرکت و حضور در نماز جمعه، در بین اصحاب و پیروان خویش به گونه‌ای بود که اصحاب گمان می‌بردند این کار، یک وظیفه‌ای است که باید تنها در بین پیروان آن حضرت و در گروه خودشان اقامه گردد. در همین باره، زرارۀ بن‌اعین (۱۵۰ق) می‌گوید:

امام صادق (ع) ما را به نماز جمعه تشویق کردند؛ تا آنکه گمان بردیم او می‌خواهد که نزدش برویم [و با او اقامه نماز کنیم]. پس، گفتیم: فردا بیاییم؟ فرمودند: نه، نماز جمعه خودتان مورد نظر من بود.^۱

بنابراین، معلوم می‌شود منظور امام، حضور در نماز جمعه عمومی مسلمانان بوده که عمدتاً توسط مخالفان مذهبی اقامه می‌شده است.

با توجه به روایاتی که بر حضور در نماز جمعه همراه با سایر مسلمانان از مذاهب مختلف تأکید دارند، روشن می‌گردد که مربوط به زمانی نیست که آن بزرگواران بر اقامۀ نماز جمعه و یا عیدین اختیار و نظارت کامل را داشته‌اند. ائمه اطهار (ع) حضور در جماعات مسلمین را یک راهبرد و روش مهم در جهت حفظ اصل و اساس این فریضه، و همچنین در جهت ایجاد وحدت و انسجام بین مسلمانان قلمداد می‌نمودند و از همین روست که عموم مسلمانان را به شرکت در آن تشویق و ترغیب می‌کردند.

۴-۳. حج

بی‌تردید، مراسم عظیم حج، یکی از مسائل عبادی، اجتماعی و سیاسی آیین مقدّس اسلام است که در میان فرایض و دستورهای دین، کمتر فریضه‌ای مانند حج، مورد توجه و سفارش قرآن و اهل بیت (ع) قرار گرفته است و از جمله برنامه‌ها و شعار دینی مسلمانان است که پیوندهای عاطفی، اجتماعی و مذهبی استواری را بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی فراهم آورده، زمینه‌ساز انسجام اسلامی به شمار می‌آید.

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۹.

این عبادت اجتماعی و کارکرد همسان ساز وحدت آفرین آن، همواره در سیره و روش اهل بیت علیهم السلام مورد توجه بوده و تأکیدات فراوانی نیز بر آن شده است؛ به گونه‌ای که در صورت سستی مردم، وادار کردن آنان به انجام حج و حتی تأمین هزینه آنان را از وظایف والی و حاکم بیان کرده‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده:

اگر مردم حج را فرو گذاشتند، بر والی و حاکم واجب است که آنان را به

شرکت در مراسم حج و ماندن تا آخر مراسم در مکه، مجبور نماید.^۱

همان طور که ملاحظه می‌گردد، این روایت و روایات دیگری از این دست، بیانگر اهتمام بزرگان شیعه به انسجام اسلامی بوده است؛ به گونه‌ای که زمامداران وقت را به اجبار مردم به انجام این فریضه و حتی تأمین هزینه سفرشان از بیت‌المال سفارش می‌کردند.^۲ وفاق و همدلی و اتحاد و اخوت بین پیروان مذاهب اسلامی، از مهم‌ترین دستاوردهای مراسم عظیم حج است که امام صادق علیه السلام بر آن تأکید داشته، در بیان فلسفه تشریع حج فرمودند:

خداوند حج را تشریع کرد تا مردم از شرق و غرب، گرد هم آیند و یکدیگر

را بشناسند و از حال یکدیگر باخبر شوند.^۳

نگاهی گذرا به تاریخ اسلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و حج‌گزاری ائمه اطهار علیهم السلام و یارانشان، این مطلب را آشکار می‌سازد که حاکمیت و اجرای مراسم حج، همواره در اختیار اهل سنت بوده و خلفا که عموماً مخالف ائمه علیهم السلام بودند، خود به صورت مستقیم و یا با انتصاب

۱. «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ وَ لَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ ص لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَتَّفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ

بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ.» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۷۲)

۲. همان؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۹.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۰۶.

امیری، بر اعمال و مواقف حج نظارت می‌کردند؛^۱ ولی در طی این سال‌ها، گزارشی که حاکی از مخالفت آن بزرگواران و اصحابشان با عامه مسلمانان در برپایی مراسم حج بوده باشد، دیده نشده است؛ بلکه همواره هماهنگ با دیگر مسلمانان این مراسم را به جای می‌آوردند. امام صادق (ع) نیز با توجه به این نکته با امیرالحاجی که حکومت تعیین کرده بود، همراهی نموده و حتی یک بار هم گزارش نشده است که امام با امیرالحاج مخالفت کرده باشند و حتی گزارش‌هایی از راهنمایی امیران حج توسط امام صادق (ع) حکایت می‌کنند؛ چنان‌که حفص (۱۹۶ق) نقل می‌کند که امام جعفر صادق (ع) در ایام حج در موقف (عرفات) وقوف نمودند. آن‌گاه هنگامی که حجاج عرفات را ترک می‌کردند، آن حضرت از شتر خویش پیاده شد. فردی هم که در آن سال هدایت حجاج را به عهده داشت، در کنار آن حضرت توقف نمود و حضرت خطاب به او فرمودند: «توقف نکن که امیرالحاج نباید هنگامی که مردم را حرکت می‌دهد، توقف کند.»^۲ بنابراین، آن حضرت و اصحابشان در حرکت به سوی عرفات و وقوف در آن‌جا و در مشعر و حرکت از آن دو مکان و سایر اعمال حج، از دستورهای امیرالحاج اطاعت می‌نمودند و به نظر شخصی خویش عمل نمی‌کردند.

همچنین، از گزارش‌هایی که در باره انجام حج توسط امام صادق (ع) همراه با سایر مسلمانان وارد شده و سیره و روش آن حضرت را در همراهی با سایر مسلمانان خبر می‌دهند، چنین برمی‌آید که وحدت اجتماعی و برادری دینی، از مهم‌ترین اهداف آن حضرت بوده و موسم حج و برنامه‌های آن را ابزار مهمی برای تحکیم این پیوند می‌شمردند و از آن برای تحقق این مهم استفاده می‌کردند.

۱. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۱ - ۳۱۳.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۹۰.

۴. تحکیم پیوندهای اجتماعی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی امام صادق (ع) برای ایجاد انسجام اسلامی را می‌توان تلاش برای تحکیم پیوندهای اجتماعی دانست که برای تحقق این مهم، ضمن مدارا با مخالفان و پرهیز از ناسزاگویی، بر پیوند عاطفی مسلمانان با یکدیگر تأکید می‌کردند.

۴-۱. پیوندهای اجتماعی و عاطفی با مسلمانان

زندگی اجتماعی انسان‌ها و وجود روابط اجتماعی بین یکدیگر، یک امر طبیعی و لازمه اجتماعی بودن انسان است، امام صادق (ع) با توجه به این نیاز اجتماعی، به گونه‌ای در جامعه اسلامی عمل می‌نمودند که ارتباطات اجتماعی بین مسلمانان برقرار گشته و از این طریق، به هدف مهم وحدت و اتحاد اسلامی نایل آیند. ایشان یاران خود را نیز به داشتن رابطه نیکو با مردم توصیه کرده و حتی سطح رابطه آنان را نیز در نظر داشتند.

آن حضرت آمیختن با مردم و یاری آنان را توصیه کرده و فرمودند:

با مردم درآمیازید و نزدیکشان شوید و آنان را یاری کنید و از آنان دوری

نگزینید و به آنان چنان سخن بگویید که خداوند بدان امر فرموده است: «به مردم

سخن نیکو بگویید».^۱

در روایتی دیگر، محمد بن مسلم (۱۵۰ق) از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت

فرمودند:

با مردم با اموری که با آن آشنایند، بیامیزید و از اموری که با آن آشنایی

ندارند و آن را ناخوش می‌دارند، بپرهیزید.^۲

۱. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۳۱۴.

۲. محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۳۶ و ۲۱.

تأکید امام صادق (ع) بر پیوند با مردم و تصریح به پرهیز از آنچه سبب ناخوشنودی آنان می‌شود، بیانگر اهمیت پیوندهای اجتماعی از دیدگاه امام صادق (ع) و نقش آن در همگرایی جامعه اسلامی است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیوند اجتماعی و عاطفی میان مسلمانان، توجه به حال آنان و همراهی و حق‌شناسی به هم‌کیشان است. امام صادق (ع) شیعیان را به عیادت بیماران و شرکت در تشییع جنازه مسلمانان فراخوانده، آن را نشانه حق‌شناسی دانسته‌اند و در پاسخ کسانی که پرسیدند: چگونه با مخالفان مذهبی رفتار کنیم، آنان را به پیروی از سیره پیشوایان دعوت کرده، فرمودند:

به پیشوایان تن بنگرید؛ آنان که به ایشان اقتدا می‌کنید و آنچه را انجام می‌دهند انجام دهید. به خدا سوگند که آن‌ها از بیمارانشان عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه آنان شرکت می‌کنند.^۱

این سخن امام (ع) و ترغیب به تبعیت از پیشوا، بدین معناست که خود امام چنین رفتاری دارند و بر همین اساس، شیعیان را به تبعیت از خود فرا می‌خوانند.

۲-۴. پرهیز از ناسزاگویی

ناسزاگویی، سب و تعابیر همسو با آن، از آشکارترین عواملی است که موجبات فتنه و عداوت را در یک اجتماع فراهم می‌نماید. انجام این عمل منفور هم به حکم عقل و هم به حکم شرع قبیح و مطرود است؛ چراکه این گونه رفتارهای ناپسند در بین مسلمانان، فقط فضای مخاصمه و دشمنی در جامعه را تقویت کرده، ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی را دشوار خواهد نمود.

امام صادق (ع) نیز به این مهم توجه داشتند و یکی از مهم‌ترین راهبردهای ایجاد اتحاد و انسجام و جلوگیری از تفرقه و اختلاف را رعایت ادب در کلام و پرهیز از

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

ناسزاگویی و دشنام در برخورد با دیگران می‌دانستند. ایشان حتی بدگویی و ناسزا در مقابل ستم دیگران را نیز بر نمی‌تافتند. سماعه از یاران آن حضرت از اختلاف خود با شتردارش و بدگویی نسبت به او و بازخواست خودش توسط امام صادق (ع) بدین سبب گزارش کرده و می‌گوید:

امام صادق (ع) از من در باره فریاد و ناسزاگویی نسبت به شتردارم پرسید و در مقابل پاسخ من که گفتم او به من ستم کرده، ستم مرا بیشتر از او توصیف کرد و فرمود: این، از کردار من نیست و پیروانم را بدان فرمان نمی‌دهم. از پروردگارت آمرزش بخواه و دیگر چنین مکن. گفتم: از خدا آمرزش می‌طلبم و دیگر چنان نمی‌کنم.^۱

امام صادق (ع) ناسزا و بدگویی را مخالف تقوا دانسته، آن را در باره مشرکان نیز ناپسند می‌دانستند؛ چنان‌که از عمرو بن نعمان جعفری نقل است که می‌گوید:

شخصی به همراه امام صادق (ع) در بازار کفاش‌ها می‌رفت. غلام همراه او، عقب افتاده بود و آن مرد چند بار سر برگرداند و او را پیدا نکرد و بار چهارم که او را دید، ناسزایی به او گفت و نسبت ناروایی به مادرش داد. امام از شدت ناراحتی، به صورت خود سیلی زد و فرمود: من تاکنون گمان می‌کردم که تو اهل ورع و تقوا هستی و اکنون معلوم شد که تقوا نداری. او جواب داد: جانم به فدایت! مادر او مشرک بوده است. حضرت فرمودند: آیا نمی‌دانی هر امتی برای خودش آیینی جهت نکاح دارند و ملتزم به نکاح خود هستند؟ راوی می‌گوید:

از آن پس، دیگر او را با آن حضرت ندیدم.^۲

۱. همان، ص ۳۲۶.

۲. همان، ص ۳۲۴.

در این روایت، حضرت حتی اهانت به یک مشرک را نیز روا نمی‌دانند و مرتکب آن را طرد می‌کند. پس، این نکته روشن می‌گردد که اهانت و ناسزاگفتن، از نظر امام حتی به شخص مشرک هم ناپسند است و این حکم، به طریق اولی در باره یک فرد مسلمان جاری خواهد بود و در واقع، عملی است قبیح که می‌تواند بذرتنه و نفاق و جدایی را بین مسلمانان بیفشاند.

همچنین، امام صادق (ع) در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۱ فرمودند: یعنی با همه مردم، چه مؤمن چه مخالف (خودی و بیگانه)، [نیکو سخن بگویید]؛ اما رفتار با مؤمنان، همراه با چهره گشاده باشد و اما با مخالفان، گفتاری مداراتی باشد؛ تا آنان را هم به ایمان [و خط فکری] خویش جذب کنید؛ چراکه خیلی با کمتر از اینها می‌توان شرّ آنان را از خود و از برادران ایمانی بازداشت.^۲

۳-۴. مدارا با مخالفان

مدارا، یکی از اصول اخلاقی اسلام است که در تحکیم روابط اجتماعی و به دنبال آن، تحقق اتحاد و انسجام اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که رعایت آن در جامعه اسلامی، بسیاری از انحرافات همچون قطع روابط و کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها را از بین برده و مسلمانان می‌توانند جامعه‌ای توأم با آرامش و امنیت را تجربه نمایند. این مهم، در سیره ائمه اطهار (ع) مورد توجه بوده و همواره بر آن تأکید داشته‌اند و در سیره امام صادق (ع) که در زمان او شیعیان از مخالفان تمیز بیشتری یافته بودند، نمود بیشتری داشت؛ چراکه در این زمان، از طرف حاکمان وقت آزار و اذیت‌های فراوانی بر شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) وارد می‌شد و با افزایش طرفداران آنها، دشمنی‌ها و کینه‌ورزی‌های مخالفان نسبت به آنها بیشتر می‌شد. از این رو، امام صادق (ع) ضمن مدارا با مخالفانشان به

۱. بقره، آیه ۸۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۰۱.

پیروان و دوست‌دارانشان نیز مدارا و گذشت در هنگام مواجهه با سایر مسلمانان را سفارش می‌کردند؛ زیرا این‌گونه رفتارها زمینه‌های تصادم و تنش و ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی را به حداقل ممکن می‌رساند و زمینه‌های مساعدی برای همگرایی بین مذاهب مختلف اسلامی را فراهم می‌کرد.

امام صادق (علیه السلام) یاران خود را افراد شکبیا و اهل مدارا توصیف کرده، فرمودند:
 همانا دوست داریم کسی را که خردمند و دانا و بافهم و فقیه و بردبار و اهل مدارا و شکبیا و راستگو و وفادار باشد.^۱

آن حضرت در جای دیگری فرمودند:
 خدا، مداراکننده است و مدارا کردن را دوست می‌دارد.^۲

ایشان حتی مسلمانان را به خوش‌رفتاری و مدارا با اهل باطل و تحمل سختی‌ها سفارش می‌کردند؛ چنان‌که در روایتی این خواسته خود را با عبارت «علیکم» بیان کردند و فرمودند:

وَعَلَيْكُمْ بِمُجَامَلَةِ أَهْلِ الْبَاطِلِ تَحَمَّلُوا الضَّيْمَ مِنْهُمْ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَاطَّتَهُمْ؛ بر شما باد سازگاری با اهل باطل، ستم آنان را تحمل کنید و از منازعه و دشمنی با آنها پرهیز نمایید.^۳

یعنی اینکه مؤمنان باید ملتزم باشند که حتی با اهل باطل برخورد انسانی و خوبی داشته باشند. آری، هدف اصلی ارسال انبیا و انزال کتب، چیزی غیر از هدایت گمراهان نیست و این مهم، با اخلاق زیبا، بسیار بهتر عملی می‌گردد.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۶۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳. همان، ج ۸، ص ۲.

۵. اعتدال مذهبی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای امام صادق (ع) برای تحقق انسجام اسلامی، مدارای مذهبی بود که در این راستا، ضمن حفظ احترام به مقدسات مذاهب و پرهیز از تعصب مذهبی، عقیده خود را بر دیگران تحمیل نکرده، یاران خویش را نیز از آن برحذر می‌داشتند.

۵-۱. حفظ احترام باورها و مقدسات مذاهب

بسیاری از کشمکش‌های شدید فرقه‌ای، افزایش واگرایی در جوامع دینی و تحریک عواطف و احساسات مذهبی، به دلیل بی‌احترامی و عدم توجه متقابل گروه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی به باورها و مقدسات یکدیگر است. گاهی برخی از باورها و یا جایگاه برخی از افراد، بدون اینکه پایه و اساس استواری داشته باشند، جنبه قدسی و احترام‌آمیز به خود گرفته، حتی ممکن است به عنوان یک باور دینی مطرح شود که با این گونه معتقدات نیز باید برخوردی خردمندانه داشت.

سابقه تاریخی بشر نشان می‌دهد که برخورد تحقیرآمیز و همراه با توهین و تمسخر نسبت به هر عقیده‌ای، هر چند بی‌پایه و اساس باشد، نتیجه معکوس دارد و نه تنها موجب همگرایی و تقریب جوامع نخواهد شد، بلکه اختلاف و تنش‌های عمیقی را نیز در پی دارد. رفتار اجتماعی و موضع‌گیری‌های امام صادق (ع) نشان می‌دهد که آن حضرت همواره شرایط جامعه و مقتضیات پیرامونی را در نظر گرفته، اقدامات خویش را مطابق آن سامان می‌دادند و پیروان و شیعیان خود را نیز به چنین رفتاری توصیه می‌کردند. بر این مبنا، هرچند بسیاری از رفتار و اعتقادات مسلمانان مورد رضایت و پسند امام صادق (ع) نبود، ولی مخالفت آشکار و گسترده در سطح جامعه اسلامی را نیز برخلاف مصالح دینی و سنت نبوی می‌دانستند که ناآرامی در جامعه و سست شدن پایه‌های نظام دینی را در پی داشت. آن حضرت خطاب به گروهی از شیعیان، سخن گفتن با مردم را بر طبق دانسته‌های خودشان سفارش کرده، می‌فرماید:

با مردم آن گونه که می فهمند، سخن گویند و آنچه را نمی پذیرند، رها کنید.^۱

در روایتی دیگر، این گونه سخن گفتن با مردم را سبب جلب دوستی مردم با خاندان پیامبر ﷺ دانسته، فرمودند:

خدا رحمت کند بنده ای را که دوستی مردم را برای ما جلب کند و آنچه را می فهمند برای آنها حدیث کند و آنچه را منکرند، رها نماید.^۲

۲-۵. عدم تحمیل عقیده

یکی از کارآمدترین و مناسب ترین راهبردها و روش ها برای ایجاد اتحاد و انسجام بین مذاهب اسلامی، آزادی عقاید مذاهب اسلامی و عدم تحمیل عقیده خویش به پیروان آنها می باشد.

امام صادق (ع) با شناختی که از جامعه عصر خویش داشتند، برخی اوقات یاران خود را از اصرار بر دعوت دیگران به کیش خود نهی می کردند؛ چنان که خطاب به یکی از یارانش فرمودند:

شما را با مردم چه کار است! از آنها دست بردارید و آنان را به مذهب خویش دعوت نکنید.^۳

و نیز در پاسخ ابوبصیر که از امام پرسید:

آیا مردم را به آنچه در اختیار دارم، فرا بخوانم؟ فرمودند: خیر. عرض کردم:

اگر کسی از من راهنمایی و درخواست ارشاد کرد، چه کنم؟ فرمودند: در این

مورد، مانعی ندارد؛ اگر از تو راهنمایی خواستند، راهنمایی و ارشاد کن و اگر

۱. اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۳۱.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۹۹.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۹۰.

خواهان ارشاد بیشتری بودند، تو هم بیشتر ارشاد کن.^۱

ایشان حتی از ارائه و تحمیل دیدگاه خود به افرادی که آگاهی از مسائل مذهب خود نداشتند، خودداری کرده، یاران خویش را نیز بدان توصیه می کردند؛ چنان که در پاسخ معاذبن مسلم نحوی (م ۱۸۷ق) که در مجامع عمومی به مردم فتوا می داد و از امام در باره شیوه کار خود پرسید که هرگاه فردی مسئله ای از من بپرسد، اگر بدانم که مخالف شماست، طبق فتوای شما جوابش را می دهم؛ اما وقتی فردی می آید که او را نمی شناسم، اقوال مختلف را نقل می کنم و قول شما را هم باز می گویم. امام در جواب فرمودند: همین گونه عمل کن؛ چون من هم این گونه عمل می کنم.^۲

نکته مهم در برخورد امام صادق (ع) با فرقه های مختلف، این است که ایشان با پیروی از دستور قرآن کریم مبنی بر به کارگیری منطق و خرد در مجادله،^۳ در بیشتر اوقات از برخورد تند و خشن و تحمیل عقیده خویش در مواجهه با فرقه ها و افراد خودداری می نمودند و با آنها از اعتقادات خودشان و از روش استدلال و منطق بهره می بردند و آنها را مغلوب و ساکت می کردند؛ چنان که مخالفان ایشان نیز به این نکته اعتراف کرده اند. مفضل بن عمر (حدود ۱۷۰ق) می گوید:

در روضه میان قبر و منبر پیامبر (ص) نشسته بودم که شنیدم ابن ابی العوجاء (۱۵۰ق) و یکی از یارانش، مطالب کفرآمیزی در باره پیامبر (ص) و خداوند می گویند. من از شدت خشم و عصبانیت، نتوانستم خود را کنترل کنم و با آنها برخورد تنیدی نمودم. ابن ابی العوجاء گفت: ای فلان! اگر تو از یاران جعفر بن محمد هستی، او هرگز با ما چنین سخن نمی گوید و مانند تو با ما مجادله

۱. همان، ص ۱۹۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۳۳.

۳. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.» (نحل، آیه ۱۲۵)

نمی‌کند. او بیش از آنچه تو شنیدی، سخنان ما را شنیده؛ ولی در پاسخ به ما تعدی نکرده و با بردباری و وقار به سخنان ما گوش می‌دهد و به دلیل ما توجه می‌کند تا آن‌گاه که سخنان خود را به طور کامل می‌گوییم و گمان می‌کنیم که او را مغلوب ساخته‌ایم؛ آن‌گاه او حجت ما را با دلیلی ساده و خطابی کوتاه، باطل می‌کند و ما را به دلیل خود ملزم می‌کند و عذر را از بین می‌برد و ما نمی‌توانیم پاسخ او را بدهیم. اگر تو از یاران او هستی، با ما همانند او سخن بگو.^۱

این گفت‌وگوی کوتاه نشان می‌دهد که سیره امام صادق (ع) در برخورد با مخالفان چگونه بوده است که حتی دشمنان نیز به رفتار نیکوی آن حضرت اعتراف کرده، بر دانش و درایت همراه با متانت ایشان اقرار داشتند.

۳-۵. پرهیز از تعصب و تکفیر دیگران

برخی جریان‌ها و گروه‌ها در تاریخ اسلام بوده‌اند که باورها و اعتقادات خویش را معیار و ملاک حق و اسلامیت دانسته، تحمل هیچ‌گونه اندیشه مخالف را نداشتند و آنها را محکوم به کفر می‌کردند. این جریان که برخاسته از تنگ نظری، بدبینی، مطلق‌اندیشی، و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه سایر مذاهب بود، بیشترین زیان را در تحقق اتحاد و انسجام اسلامی متوجه جامعه اسلامی می‌کرد. در تاریخ اسلام نیز همواره گروه‌های سیاسی، کلامی و فقهی بودند که از پدیده تکفیر به عنوان ابزاری در جهت برتری مذهبی و رسیدن به اهداف سیاسی و حزبی خویش بهره می‌بردند. امامان شیعه همواره با اتخاذ راهکارهای مناسب در مقابله با آن، سعی در جلوگیری از رواج چنین پدیده‌ای در جامعه اسلامی داشتند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۵۸؛ حمیدرضا مطهری، زندگه در سده‌های نخستین اسلامی، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

در این میان، اوضاع اجتماعی عصر امام صادق (ع) به گونه‌ای بود که افراد یکدیگر را با کمترین اختلاف عقیدتی یا فقهی متهم به کفر می‌کردند و از همین رو، اختلافات و تنازعات بین آنها افزایش یافته، موجبات تفرقه و جدایی در جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد. در سیره آن حضرت، پرهیز از تکفیر و تفسیق‌های نابجای مسلمانان و جلوگیری از اتهام مخالفان مذهبی به کفر و بی‌دینی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ چنان‌که در اختلاف سه تن از یاران آن حضرت این نکته به‌خوبی مشهود است:

سه نفر از اصحاب امام صادق (ع) به نام‌های: هاشم صاحب البرید، ابوخطاب و محمد بن مسلم (۱۵۰ ق)، در باره مخالفان امامت، اختلاف نظر داشتند. هاشم معتقد بود که جاهلان و منکران امامت، کافرند؛ ولی ابوخطاب، در کفر مخالفان، وجود حجت را شرط می‌دانست و محمد بن مسلم، افزون بر آن، تحقق انکار و جحد را نیز معتبر می‌شمرد. این سه نفر برای حل اختلاف و نزاع خویش در ایام حج نزد امام صادق (ع) رفتند و نزاعشان را بازگو کردند. آن حضرت ضمن گوشزد کردن اعتقاد مخالفان به توحید و نبوت و انجام اعمال عبادی، با اظهار تعجب مکرر و گفتن سبحان الله، آنان را از نسبت دادن کفر به جاهلان مسئله امامت، برحذر داشتند و تلویحاً نظر محمد بن مسلم را تأیید کردند.^۱

همچنین، امام صادق (ع) در روایتی دیگر، نسبت دادن کفر به یک فرد مسلمان را سبب از بین رفتن اسلام در قلب او دانسته، فرمودند:

هنگامی که مؤمن به برادرش بگوید: اف، از هم بریده می‌گردند و اگر بگوید که تو کافری، یکی از آنان کافر می‌گردد و چنانچه به او تهمت زده باشد، اسلام در قلبش آب می‌شود؛ همانند نمک در آب.^۲

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲. همان، ص ۳۶۱.

با دقت و تأمل در این گزارش‌ها و روایات، می‌توان گفت که در آن عصر، پدیده تکفیر، یک پدیده رایج در بین مسلمانان بوده است؛ به گونه‌ای که این مسئله در گفت‌وگوی برخی اصحاب امام صادق (ع) نیز مطرح شده است و از طرفی دیگر، اهمیت به کارگیری راهبردها و شیوه‌های مقابله آن حضرت در مواجهه با پدیده تکفیر در جامعه اسلامی را نشان می‌دهد.

۶. نقد گزاره‌های غیر همسو

ایجاد اتحاد و همگرایی میان مسلمانان، همواره مورد توجه و اهتمام معصومان (ع) بوده است؛ اما گاه روایات مخالف و حتی متناقضی دیده می‌شود که تمسک مسلمانان به اموری همچون تکفیر را مجاز دانسته، دستاویزی برای مخالفان به شمار می‌رود و این گونه وانمود می‌شود که با مقوله اتحاد و انسجام و همگرایی اسلامی، در تضاد می‌باشند. تکفیر، از موارد مهمی است که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه امام صادق (ع) همانند سایر ائمه اطهار (ع) به مقابله با این بدبینی‌ها پرداختند و کوشیدند از رواج چنین پدیده‌ای جلوگیری کنند، اما بر اساس برخی روایات، منکران امامت، کافر معرفی شده‌اند؛ همانند روایتی از امام صادق (ع) که انکار امامت را مساوی با کفر برشمرده‌اند.^۱ وجود چنین روایاتی، در ظاهر با مقوله همگرایی، اتحاد و انسجام اسلامی سازگاری ندارد.

در پاسخ به چنین شبهاتی باید گفت:

اولاً، در برابر این دست از روایات، روایات متعدد و معتبری وجود دارند که بر اسلام مخالفان به شرط عدم جحد و عناد دلالت می‌کنند و در حقیقت، حاکم و مفسر روایات مورد بحث می‌باشند.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۲۵.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ح ۱۵ - ۲۱.

ثانیاً، روایاتی که بر کفر منکران امامت دلالت دارند، با اخباری که اسلام مخالفان را تأیید می‌کنند،^۱ در تعارض هستند و بنا به قاعده اصولی، در صورت عدم رجحان یکی از دو طرف، مرجع، عمومات یا اصول خواهند بود^۲ که در اینجا آنچه مطابق با مفاد عمومات و اصول می‌باشد، اسلام مخالفان است.

ثالثاً، واژه «کفر»، معانی مختلفی دارد که متصف شدن به برخی از این معانی، همانند انکار ربوبیت و معاد، موجب خروج از دین خواهد بود و بعضی از معانی دیگر، با اسلام قابل جمع هستند؛ همانند جایی که کفر را به معنای ناسپاسی در برابر شکر و یا ترک اوامر الهی در برابر اطاعت^۳ معنا کرده‌اند که کفر در روایات مذکور نیز به همین معنا آمده است.

نتیجه

امام صادق (ع) اتحاد و همگرایی اسلامی را از ضروریات جامعه اسلامی برشمرده‌اند و ضمن توصیه بر همگرایی، پرهیز از تفرقه و درگیری‌های بی‌حاصل بین پیروان مذاهب اسلامی را دارای اهمیت ویژه‌ای دانسته‌اند و برای تحقق این مهم، همواره برنامه‌ها و راهبردهای خاصی را در پیش گرفتند که در این میان، راهبردهای اجتماعی آن حضرت، از اهمیت بسزایی برخوردار است و می‌تواند الگوی مناسبی برای مسلمانان باشد. یکرنگی و همسانی در مراسم دینی، تحکیم پیوندهای اجتماعی، حفظ احترام باورها و مقدسات مذاهب و اعتدال مذهبی، از مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی امام صادق (ع) برای ایجاد انسجام اسلامی به شمار می‌روند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۷۲ - ۱۷۰.

۲. محمدحسن قدردان قراملکی، «نظریه جدانگاری امامت از اصول دین»، نامه مفید، سال چهارم، شماره دوم.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸۹.

ایشان در مواجهه با افکار و اندیشه‌هایی که به اختلافات و جدایی‌های بین مذاهب مختلف اسلامی دامن می‌زد، ضمن پایبندی به اصول و مبانی اعتقادی شیعه، باورها و اندیشه‌های مخالفان را محترم شمرده، شیعیان را به حضور و همگامی در شعائر و مناسک دینی دعوت می‌کردند و آنها را به برقراری ارتباط نیکو با مخالفان در جامعه و نیز رعایت اعتدال و پرهیز از تکفیر آنها سفارش می‌نمودند. همچنین، آن حضرت با تقبیح ناسزاگویی و توهین مخالفان، مدارای با آنها را به عنوان یکی از عوامل ایجاد وحدت و یکپارچگی مسلمانان، مورد توجه قرار می‌دادند و شیعیان را به تبعیت از امام خود در این باره دعوت می‌کردند.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۳۶۳ ش.
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد، تهران: سخن، ۱۳۸۱ ش.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم: مهر، اول، ۱۴۱۲ ق.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۵۰ جلد، تهران: چاپ سیروس، ۱۳۳۷ ش.
۵. روشندل، جلیل، تحول در مفهوم/ استراتژی، مجموعه مقالات/ اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، اول، ۱۳۷۰ ش.
۶. صدری افشار، غلامحسین و نسرین حکمی و نسترن حکمی، فرهنگنامه فارسی، ۳ جلد، تهران: فرهنگ معاصر، اول، ۱۳۸۸ ش.
۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسن بن بابویه، مالی صدوق، بیروت: اعلمی، پنجم، ۱۴۰۰ ق.
۸. —، علل الشرایع، چاپ اول، قم، انتشارات داوری، ۱۳۸۵ ش.
۹. —، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح و تعلیق: محسن کوچه باغی تبریزی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. طوسی، تهذیب الأحکام، تصحیح: محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، اول، ۱۳۶۳ ق.
۱۳. قدردان قراملکی، محمد حسن، «نظریه جداانگاری امامت از اصول دین»، نامه مفید، سال چهارم، شماره دوم.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، دوم، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، تهران: اسلامیه، دوم، ۱۳۶۳ ش.

۱۶. معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة، قم: مؤسسه واصل، ۱۴۲۲ق.

۱۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق: اسعد داغر، قم: نشر دارالهجرة، دوم، ۱۴۰۹ق.

۱۸. مطهری، حمیدرضا، زندگه در سده های نخستین اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۷ش.

۱۹. مطهری، مرتضی، شش مقاله، قم: انتشارات صدرا، هفدهم، ۱۳۸۳ش.

۲۰. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.

۲۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، دوم.

